

خلفاء بعد از پیغمبر

(۱۴)

طرز تقسیم بیت المال:

میگویند که عقیل بن اریطالب و مخرمه بن نوفل و جبیر بن مطعم بن نوفل بن عبدمناف را خلیفه طلبید و از آنان درخواست نمود که مردم را طبقه بندی نموده اسامیشان را بنویسند و نیز دستور داد که از اولاد عبدمناف شروع شود و از فرزندان عبد مناف اول نام حضرت علی و با بر طبق روایت عده ای از مورخین اول نام عباس عموی پیغمبر ذکر گردد.

بهر حال بترتیب زیر تقسیم بیت المال صورت گرفت. حضرت علی ۵۰۰۰ درهم حضرت حسن و حسین هر کدام ۳۰۰۰ درهم. عباس عموی پیغمبر ۳۰۰۰ درهم، کسانی که در جنگ بدر از قریش حاضر بودند هر کدام ۳۰۰۰ درهم و هر که از انصار در جنگ بدر حاضر بود ۴۰۰۰ درهم. برای بزرگان مکه از قبیل ابی سفیان و معاویه ۵۰۰۰ درهم (اگر قدمت و سبقت و خدمت در اسلام مناطقی بود نمی بایست علی و ابی سفیان در یک ردیف باشند)

→ آنان محدود بوده است.

۱۰. چون بمثلهای عرب توجه کنیم بعضی از آنها را بسیار خنک و بی نمک می بینیم بطوریکه بی اختیار بر آنها میخندیم. برخی از آنها بسیار زشت و رکیک و فحش آمیز است باره می هم مخالف زندگانی اجتماعی و با حقیقت مابین میباشد

از کلیه امثالی که درباره زن وارد شده معلوم میشود زن در نظر اعراب بسیار پست است، از تمام مثلثاتی که در خصوص اقتصاد گفته شده معلوم میشود که سرزمین عرب همیشه دچار فقر و قحط بوده است

ناتمام

وقریشانی که در بدر حاضر نبودند بر حسب موقعیت اجتماعیشان بآنان سهمیه داده شد برای زنان پیغمبر هر کدام ۱۲۰۰۰ درهم و به صفیه و جویره، ۵۰۰۰۰ درهم سهمیه رسید. خلیفه برای خویش ۴۰۰۰ درهم و برای فرزندش عبدالله ۵۰۰۰ درهم و برای غیر مهاجرین از مردم مکه از ۶۰۰ تا ۷۰۰ درهم و برای اهل یمن ۴۰۰ درهم و برای طایفه مضر ۳۰۰ درهم و برای طایفه ربیع ۲۰۰ درهم تعیین نمود؛ (این طرز تقسیم همانطور که خواهد آمد برخلاف رویه حضرت رسول و ابوبکر بوده زیرا پیغمبر خدا و ابی بکر بهمه مردم یکسان سهمیه میدادند کما اینکه امیر المومنین علی علیه السلام نیز همه مردم را در سهمیه یکسان میدانست)

اولین خراجی که بمدینه رسید خراج بحرین بود که هفتصد هزار درهم از طرف ابی هریره فرستاده شد و خلیفه دستور داد که اسامی مردم بر حسب مراتبشان نوشته و از پیغمبر و خویشان او شروع گردد آنگاه ابی بکر و خویشان او و سپس عمر و خویشان او ثبت نام شدند چون چشم عمر باین صورت افتاد گفت آرزوی من همین بود که به پیغمبر اینقدر نزدیک باشم اکنون از پیغمبر و آنگاه الاقرب فالاقرب شروع کنید و عمر را نیز در جائی که خدای جای داده قرار دهید.

بران زنان مهاجر و غیر مهاجر نیز بر حسب مراتبشان از هزار و دویست تا پنج هزار درهم سهمیه معین گردید لیکن برای اسماء بنت عمیس و ام کلثوم دختر عقبه بن معیط و خوله دختر حکیم بن الاوقص زن عثمان بن مظعون ۲۰۰۰ درهم و برای ام عبد ۲۵۰۰ درهم معین نمود.

سهمیه بزرگان ایرانی نیز بدین ترتیب معین شد:

(فرزند بعیهری دهقان فللوجه)، هزمران و بسطام (دو فرزند فرسی دهقان بابل و جفینه و عبادی) هر یک ۲۰۰۰ درهم دهقان در اینجا بمعنی خورده مالک است عمر گفت چون اینها مردم شریفی هستند دوست دارم که بابخشش بایشان دل زبردستان را بدست آورده تسالیف قلوب کنم و نیز در اواخر عمر خود گفت:

من بین مردم با عملی الفت افکندم که برخلاف عمل پیغمبر و ابی بکر بوده است و آن برتری دادن بعضی است بر بعضی دیگر و اگر زنده بمانم از این پس همه مردم را مساوی قرار خواهم داد و هیچ سرخی را بر سیاه و هیچ عربی را بر عجم ترجیح نخواهم داد و مثل پیغمبر و ابی بکر رفتار خواهم نمود ولی در همان سال بدرود زندگی گفت

در همین سال عمر کشور امپراطوری اسلام را به استانهای مختلف بترتیب زیر تقسیم نمود ۱- استان مدینه ۲- استان شام ۳- استان مصر و الجزیره ۴- استان کوفه ۵- استان

بصره (اگرچه تاریخ یعقوبی اسمی از سایر استانها نمی برد لیکن صاحب تاریخ خلفاء استان مصر را ششم و موصل را استان هفتم میداند) و نیز بدین ترتیب عمر تشکیل پادگان برای حفظ حدود و تفروداد.

۱- پادگان فلسطین ۲- پادگان الجزیره ۳- پادگان موصل ۴- پادگان قنسرین.

در همین سال نیز عمروعاص اسکندریه و سایر ولایات مصر را فتح نمود و چهارده میلیون دینار از مردم جزیره گرفت (هر نفری یک دینار) و از هر صد اردب نیز دو اردب مالیات غلات گرفت (اردب یکسره همزه و سکون راء و فتح دال مهمله و تشدید باء موحده کیل است بوزن ۲۴ صاع یصاع پیغمبر که هر صاع چهارمدم میباشد) و نیز در حدیثی وارد است «منعت العراق در همها و قفیزها و منعت مصر اردبها» عمروعاص یاران هر قل را از کشور مصر بیرون کرد و اتفاقاً در این میان هر قل مرد و بامزک او و میان به بیچارگی عجیبی افتادند. پس از آنکه عمروعاص اسکندریه را فتح کرد معاویه بن خدیج که آهنگ مدینه داشت از عمروعاص درخواست نمود که در اجم بفتح اسکندریه و زحمات خویش نامه ای بخلیفه بنویسد عمروعاص گفت لازم نیست چیزی بنویسم تو خود آنچه دیده ای برای خلیفه تعریف کن او نیز چنین کرد و خلیفه پس از استماع خبر فتح سر بسجده شکر نهاد و سپس ضمن تقدیر نامه ای که به عمروعاص نوشت دستور داد که مقداری آذوقه از راه دریای بندر جار بمدینه بفرستد که کفایت یکسال مسلمین را بنماید عمروعاص نیز حسب الامر از طریق دریای قلمز بیست کشتی که بار هر کدام سه هزار اردب بوده بطرف بندر جار فرستاد و چون کشتیها رسیدند و عمر اطلاع یافت بادسته ای از بزرگان اصحاب برای دیدن کشتیها به جار آمد و نماینده ای برای تحویل بارها تعیین کرد و دستور داد انبار بزرگی ساختند و بارها را بدانجا حمل و تمر کردند سپس به یزید بن ثابت دستور داد اسامی مردم را بر حسب مقام هر کس صورت نماید و کویتهای زیادی نوشت و امضاء نمود و بدست مردم داد تا بوسیله کویته آذوقه خویش را از انبار تحویل بگیرند و این عمل برای حفظ آذوقه مسلمین از شاهکارهای او و اولین اقدام برای تهیه کویته بود

رتال جامع علوم انسانی خوانندگان گرامی

این نشریه حاوی آیات قرآن و اسامی پیغمبران عظام و ائمه

گرام است محافظت فرمائید.

چنانچه نقائصی مشاهده فرمودید اطلاع دهید.

مشکلات دینی خود را با مادر میان بگذارید با کمال میل شما

را راهنمایی خواهیم کرد.